

اندیشه مدیریت راهبردی، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، پیاپی ۱۷، صص ۸۵-۱۲۰

فهم خاتمه خط‌مشی‌های عمومی در ایران؛ پژوهشی بر مبنای نظریه پردازی داده‌بنیاد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۳

حسن دانایی‌فرد*

محمد مهدی حیدری**

عادل آذر***

رحمت‌الله قلی‌پور****

چکیده

صاحب‌نظران علم خط‌مشی معتقدند که خاتمه خط‌مشی از گام‌های فرآیند خط‌مشی‌گذاری است که نسبت به سایر گام‌های این چرخه کمتر مورد مذاقه قرار گرفته است. خط‌مشی‌های خاتمه‌یافته را می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی کرد: (۱) خط‌مشی‌هایی که خاتمه‌بخشی آن بر مبنای منطق و عقلانیت صورت گرفته است (مرتفع شدن مسئله عمومی، ناکارایی خط‌مشی جاری و...)، (۲) خط‌مشی‌هایی که پس از تدوین و ابلاغ از سوی مجریان رها، معطل و در نهایت خاتمه می‌یابند. این پژوهش کیفی تلاش دارد فرایند رخداد خاتمه‌بخشی از نوع دوم را نظریه‌پردازی کند. در مرحله اول داده‌ها از طریق انجام مصاحبه‌های ساختاریافته با مسئولان و مدیران نظام خط‌مشی‌گذاری ایران گردآوری می‌شوند. در مرحله دوم «تم‌های کلیدی» استخراج شده و بر اساس راهبرد پژوهشی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، که روشی نظام‌مند و کیفی برای خلق نظریه است، نظریه خاتمه خط‌مشی‌های عمومی در ایران خلق می‌گردد. نظریه حاصل نشان می‌دهد که پدیده محوری چنین فرآیندی مضمونی تحت عنوان خط‌مشی عمومی لرزان است که در فرآیندی از عوامل بستری و مداخله‌گر و به اتکای دسته‌ای از عوامل علی، خاتمه خط‌مشی را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی

خاتمه خط‌مشی، رهاشدگی خط‌مشی، خط‌مشی عمومی لرزان، نظریه داده‌بنیاد

hdanaee@modares.ac.ir

* استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول

** دکتری مدیریت سیاست‌گذاری در بخش عمومی دانشگاه تربیت مدرس

mahdiheydari4@gmail.com

azara@modares.ac.ir

*** استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تربیت مدرس

rgholipor@ut.ac.ir

**** دانشیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

مقدمه

خاتمه خط‌مشی از گام‌های فرآیند خط‌مشی‌گذاری است که در مقایسه با سایر گام‌های این فرآیند کمتر مورد توجه دانشمندان حوزه خط‌مشی‌گذاری قرار گرفته است (Iris, 2001). در چرخه خط‌مشی‌گذاری، خط‌مشی برای مواجهه با یک مسئله عمومی شکل می‌گیرد؛ یعنی با شناسایی مسئله و وارد شدن به دستور کار، خط‌مشی مورد نیاز تدوین و پس از اجرا و ارزیابی با رفع مسئله، خاتمه می‌یابد.

خاتمه خط‌مشی می‌تواند در دو وضعیت صورت پذیرد. حالت اول وقتی است که خاتمه‌بخشی بر مبنای منطق و اصول باشد؛ برای مثال خاتمه بر اثر حل معضل عمومی اتفاق افتد یا عدم کارایی خط‌مشی جاری در مواجهه با مسئله مشخص شده باشد و یا مشکلات مالی باعث اولویت‌بندی اجرای خط‌مشی‌ها گردد. در حالت دوم که مورد کنکاش این پژوهش است خاتمه بر اثر عوامل ذکرشده در حالت اول رخ نمی‌دهد بلکه بعدازاینکه خط‌مشی تدوین و ابلاغ گردید از سوی متولیان اجرا رها و معطل می‌ماند در نهایت آن خط‌مشی خاتمه می‌یابد و باعث اتلاف منابع مادی و معنوی، کاهش اعتماد عمومی و فرصت‌سوزی ملی می‌گردد.

این پژوهش بر آن است که فرآیند «خاتمه خط‌مشی» آ‌های عمومی در کشور را مورد بررسی قرار داده و وقوع چنین رخدادی را برای خط‌مشی‌گذاران عمومی کشور را نظریه‌پردازی و قابل درک نماید تا نظام خط‌مشی‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در آینده از خسارت‌های ناشی از رها شدن و خاتمه خط‌مشی‌های عمومی مورد نظر این پژوهش متضرر نگردد.

۱. بیان مسئله پژوهش

خردمایه شکل‌گیری هر خط‌مشی عمومی، حل یک مسئله عمومی است. مسئله‌ای که موجب درد و رنج و یا سد راه رشد فرد و یا گروهی از انسان‌ها شده که خود به‌تنهایی از عهده رفع آن برنمایند. پس خط‌مشی عمومی تدوین می‌گردد تا مشکلات و محدودیت‌های موجود در جامعه که بر عامه مردم تأثیر منفی و کاهنده دارد (قلی‌پور، ۱۳۸۷) را از میان بردارد و بودن یا نبودن این چنین خط‌مشی‌هایی به وجود معضلات و

مشکلات عمومی بستگی دارد و تا زمان رفع مسئله، خط‌مشی‌های وضع شده باید اجرا گردد مگر آنکه در حین اجرا براساس سازوکارهای ارزیابی خط‌مشی، ناکارآمدی خط‌مشی وضع شده در مواجهه با مسئله محرز گردد که در این وضعیت هم باید خط‌مشی‌های جایگزین تدوین گردد. پس آنچه مسلم و قطعی است آن است که خط‌مشی عمومی تا زمان موجود مسئله باید جاری، پویا و برقرار باشد؛ اما آنچه در عمل اتفاق می‌افتد در برخی از مواقع خلاف این اصل است و نمونه‌های از خط‌مشی عمومی را می‌توان مشاهده کرد که علی‌رغم وجود مسئله، خط‌مشی که برای مواجهه با آن تدوین شده است رها، معطل و در نهایت خاتمه یافته است. مسئله نظری پژوهش حاضر فقدان یک نظریه تبیینی برای تبیین فرآیند خاتمه خط‌مشی‌های عمومی در نظام خط‌مشی‌گذاری جمهوری اسلامی ایران است. این نظریه به خط‌مشی‌گذاران کمک می‌کند تا با شناسایی و درک عواملی که منجر به خاتمه خط‌مشی‌های عمومی می‌گردد از هدر رفت منابع فکری و مادی ملی با وضع و تدوین خط‌مشی‌های عمومی کاربردی و مبتنی بر عقلانیت، جلوگیری شود.

۲. هدف غایی و پرسش‌های پژوهش

هدف غایی این پژوهش طراحی مدلی برای تبیین خاتمه خط‌مشی عمومی در کشور است. بنابراین اهداف فرعی پژوهش را می‌توان به صورت زیر مطرح کرد:

الف) واکاوی فرآیند خاتمه خط‌مشی‌های عمومی در ایران

ب) تعیین عوامل مؤثر بر فرآیند خاتمه خط‌مشی‌های عمومی در ایران

ج) شناخت میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر خاتمه

در این راستا پرسش‌های پژوهش به شرح زیر است:

پرسش اصلی

مدل تبیین‌کننده فرآیند خاتمه خط‌مشی‌های عمومی در ایران چگونه است؟

پرسش‌های فرعی

الف) عناصر تشکیل‌دهنده مدل مزبور کدام‌اند؟

ب) چه روابطی بین این عناصر وجود دارد؟

۳. نگاه نظری پژوهش

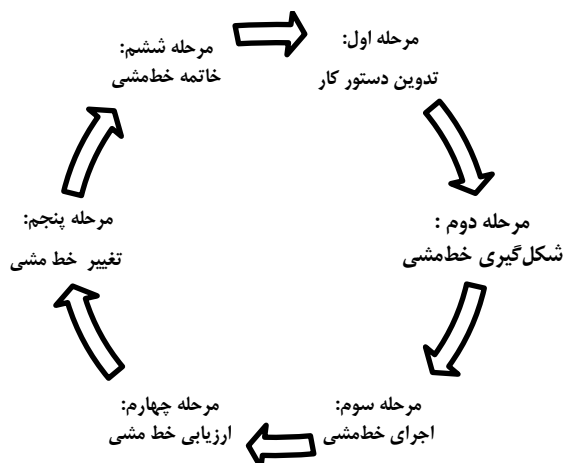
۳-۱. چیستی خط‌مشی عمومی

پژوهش درباره خاتمه خط‌مشی‌های عمومی مستلزم تأمل و درک خط‌مشی عمومی و خاتمه از لحاظ مفهومی است. به‌طور کلی در زبان عامیانه، «اصطلاح خط‌مشی» به رفتار برخی از بازیگران یا مجموعه‌ای از بازیگران نظیر یک مقام دولتی، یک مؤسسه دولتی یا یک قانون‌گذار در یک حوزه فعالیت عمومی نظیر حمل‌ونقل عمومی، حمایت از مصرف‌کننده و... اشاره دارد. هم‌چنین ممکن است خط‌مشی عمومی به آنچه که دولت‌ها انتخاب می‌کنند تا انجام دهند یا انجام ندهند، اشاره داشته باشد. (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸)

۳-۲. فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی

خط‌مشی‌گذاری عمومی فرایندی پیوسته از درک مسئله‌ای که نیازمند واکنش دولت از تدوین، اجرا و ارزیابی خط‌مشی‌های اتخاذ شده است، می‌باشد. در چارچوب مطالعات خط‌مشی عمومی، چرخه خط‌مشی متداول‌ترین رویکرد به مفهوم‌سازی فرایند خط‌مشی‌گذاری است (Laster and Stewart, 1996).

همان‌گونه که در نمودار شماره (۱) مشاهده می‌شود یکی از مشهورترین مفهوم‌سازی در زمینه چرخه خط‌مشی نوعی از فرایند خط‌مشی را ارائه می‌دهد که حاصل کار لستر و استوارت و متشکل از شش مرحله است.



نمودار شماره ۱. چرخه خط‌مشی‌گذاری (Laster, and Stewart, 1996)

۳-۳. مفهوم شناسایی خاتمه‌بخشی

دانشمندان خط‌مشی عمومی گری برور و پیتر دلئون^۳ خاتمه در بخش عمومی را به‌عنوان پایان یا توقف کارکردهای خاص، برنامه‌ها، خط‌مشی‌ها یا سازمان‌های دولتی تعریف کرده‌اند (Deleon, 1983; Daniels, 1997). خاتمه رفتاری تعمدی با نیت پایان یک خط‌مشی یا سازمان خاص است (Gevay; 2001). خاتمه‌بخشی می‌تواند هم به‌عنوان یک پایان و هم به‌عنوان یک آغاز درک شود، آغاز برای تصحیح یک خط‌مشی اشتباه یا مجموعه‌ای از برنامه‌ها یا اصلاح مفروضات یا اجزا یک برنامه (Daniels; 1997). بارداخ^۴ به‌عنوان یکی از پیشگامان در این حوزه خاتمه خط‌مشی را به‌عنوان یک فرایند سیاسی می‌داند و بیان می‌کند که خاتمه‌بخشی در واقع نمونه خاصی از اتخاذ خط‌مشی^۵ است، بدین معنا که اتخاذ خط‌مشی (الف) مستلزم حذف یا انقطاع خط‌مشی (ب) می‌باشد (Bardach; 1976). بارداخ در تبیین طرفداران خاتمه، به سه گروه زیر تقسیم کرده است: مخالفان^۶: کسانی که می‌خواهند خط‌مشی (ب) خاتمه یابد؛ زیرا آن‌ها معیوب بودن و غیر مؤثر بودن خط‌مشی (ب) را مشاهده کرده‌اند. صرفه‌جویان^۷: کسانی که به دنبال تخصیص منابع مربوط به خط‌مشی خاتمه‌یافته به سایر خط‌مشی‌ها هستند.

اصلاح‌گران^۸: کسانی که خاتمه یک خط‌مشی را به‌عنوان فرصتی برای اتخاذ خط‌مشی‌های جدید و خلاقانه می‌بینند (Bardach, 1976; Daniesl, 1997). آنچه که دانشمندان در تعریف خاتمه بدان اشاره داشته‌اند تعمدی و هدفمند بودن خاتمه یک خط‌مشی است؛ به‌عبارت‌دیگر خاتمه نمی‌تواند حاصل یک فعل و انفعال تصادفی باشد. در واقع خاتمه چه به‌عنوان یک اقدام مبتنی بر برون‌داد یک سیستم ارزیابی و یا به‌عنوان یک تصمیم سیاسی برگرفته از رفتاری تعمدی و هدف‌دار است

۳-۴. انواع خاتمه

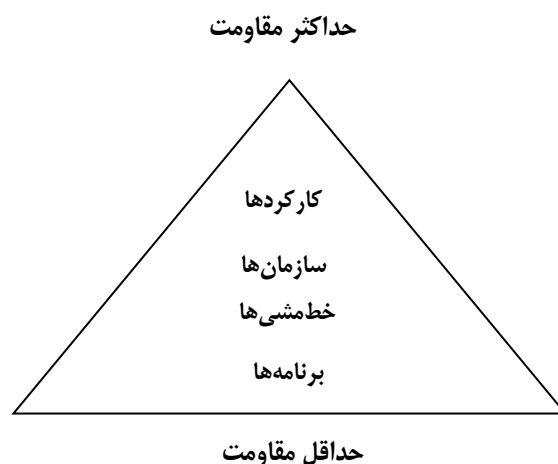
پیتر دلئون براساس شاخص مقاومت در برابر خاتمه، دسته‌بندی از انواع خاتمه به شرح زیر ارائه کرده است:

۳-۴-۱. خاتمه کارکردی^۹: این نوع خاتمه به خاتمه کل یک حوزه (مثل برنامه مراقبت بهداشتی) اشاره دارد. این نوع از خاتمه‌بخشی، بسیاری از سازمان‌ها و خط‌مشی‌ها را دربرگرفته و پدیده‌ای است که به‌ندرت رخ می‌دهد.

۳-۴-۲. خاتمه سازمانی^{۱۰}: این نوع خاتمه به حذف کامل یک سازمان اشاره دارد. لیکن سازمان‌ها با سازمان‌دهی مجدد به حیات خود ادامه می‌دهند.

۳-۴-۳. خاتمه خط‌مشی^{۱۱}: این نوع خاتمه به حذف یک خط‌مشی در زمانی که رویکرد زیربنایی، دیگر مورد استفاده نبوده یا گفته می‌شود که دیگر صحیح نیست، مربوط می‌شود.

۳-۴-۴. خاتمه برنامه‌ها^{۱۲}: این نوع خاتمه به حذف برنامه‌های خاص طراحی‌شده برای اجرای یک خط‌مشی اشاره دارد. این نوع خاتمه متداول‌ترین نوع خاتمه است (Deleon, 1978; Daniels, 1997; Laster, 1999).



نمودار شماره ۲. سلسله‌مراتب مقاومت خاتمه‌بخشی (دلئون، ۱۹۹۷)

در ادامه این دسته‌بندی دلئون عنوان می‌کند که خط‌مشی‌ها به علل زیر آسان‌تر از سازمان‌ها خاتمه می‌یابند:

- ✓ سازمان ترجیح می‌دهد به جای خاتمه دادن به کار خود، برخی از خط‌مشی‌ها در سازمان را پایان دهد.
- ✓ خط‌مشی‌ها نسبت به سازمان‌ها آسان‌تر قابل ارزیابی هستند و براساس برون‌داد ارزیابی می‌توان راحت در مورد ادامه یا پایان یک خط‌مشی تصمیم‌گیری کرد.
- ✓ خط‌مشی به‌اندازه سازمان طرف‌های متحد و هم‌پیمان ندارد.
- ✓ بیشتر خط‌مشی‌ها با انبوهی از انتقادات روبه‌رو هستند که این انتقادات دلایلی برای طرح خاتمه می‌باشند (Kaufman, 1976; Deleon, 1983).

۳-۵. موانع خاتمه خط‌مشی

هم‌زمانی برخی از رویدادها با خاتمه می‌تواند نتیجه مثبت در جهت خاتمه خط‌مشی یا سازمان به همراه داشته باشد. از طرفی در بحث خاتمه خط‌مشی وقوع برخی از رویدادها هم می‌تواند در جهت معکوس خاتمه حرکت کند و باعث بروز مشکلاتی در روند خاتمه خط‌مشی ایجاد نماید و در نهایت «مانع خاتمه خط‌مشی»^{۱۳} گردد. در این

راستا پیتز دلئون با بررسی‌های خود از نمونه‌های واقعی خاتمه خط‌مشی به تبیین این موضوع پرداخت که چرا خاتمه خط‌مشی به‌سختی انجام می‌گیرد و توانست علت را در شش عامل به‌عنوان موانع خاتمه دسته‌بندی نماید:

✓ بی‌میلی فکری^{۱۴}: منطق افراد در حمایت یا عدم حمایت از خاتمه خط‌مشی‌ها، معیوب یا نامناسب بودن خط‌مشی‌ها در بلندمدت نیست، بلکه منافع شخصی منطق حمایت یا عدم حمایت آن‌ها از یک خط‌مشی است و این عامل می‌تواند خرد مایه ایجاد ائتلاف‌های ضد خاتمه گردد.

✓ بقای سازمانی^{۱۵}: طراحی سازمان‌ها و خط‌مشی‌های آن‌ها فراتر از تلاش یک فرد حامی یا بوروکرات است؛ این سازمان‌ها و خط‌مشی‌های آن‌ها حاصل یک سیستم بوروکراتیک است که این سیستم در مقابل تلاش‌ها برای خاتمه به‌صورت مقتدرانه مقاومت و ایستادگی خواهد کرد.

✓ دستگاه‌های پویا^{۱۶}: سازمان‌ها و خط‌مشی‌های آن‌ها سیستم‌هایی هستند که به تغییرات محیطی‌شان واکنش نشان می‌دهند. لذا این‌گونه سازمان‌ها و خط‌مشی‌ها با آگاه شدن از فرایند تغییر و خاتمه سریعاً از خود واکنش نشان داده و خود را با شرایط جدید وفق می‌دهند.

✓ ائتلاف‌های ضد خاتمه^{۱۷}: گروه‌های سیاسی مهم وقتی که می‌بینند با خاتمه یک سازمان یا خط‌مشی منافع آن‌ها به خطر خواهد افتاد، سریعاً می‌توانند به ائتلاف‌های ضد خاتمه تبدیل شوند و در نقش مخالفان خاتمه ایفای نقش نمایند.

✓ موانع قانونی^{۱۸}: در یک محیط سیاسی مستعد دادخواهی^{۱۹}، تعهد به رویه‌های قانونی که حق اساسی هر شهروند است، ممکن است تلاش برای خاتمه را تا مدت معینی به تعویق اندازد.

✓ هزینه‌های بالای راه‌اندازی^{۲۰}: وقتی که خط‌مشی سازمانی خاتمه می‌یابد جایگزینی آن نیاز صرف وقت و هزینه‌های مالی زیادی خواهد بود.

✓ چارچوب موانع خاتمه، ارائه‌شده توسط دلئون، به‌وسیله افراد مختلف آزمایش شد؛ برای مثال فرنتز^{۲۱} از این چارچوب برای تبیین خاتمه خط‌مشی مربوط به مرکز مراقبت‌های بیماران جزامی در کشور آمریکا استفاده کرد (Frantz, 1997).

✓ همچنین دلثون با استفاده از این چارچوب به بررسی میزان خاتمه‌های اتفاق افتاده در زمان ریاست جمهوری ریگان بر پایه ارزیابی و تحلیل هزینه/فایده پرداخت و به این نتیجه دست یافت که تحلیل‌های اقتصادی به‌ندرت پایه و اساس تصمیمات مربوط به خاتمه یک خط‌مشی را شکل می‌دهند. از طرفی دلثون عنوان کرد که اکثر پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون موضوع خاتمه دلالت بر این دارد که خاتمه خط‌مشی حاصل یک فعل و انفعال سیاسی است تا نتیجه تصمیم‌گیری مبتنی بر تحلیل هزینه/فایده، بدین روی ارزش‌های سیاسی و ایدئولوژی عامل اصلی و تعیین‌کننده تصمیمات در باب خاتمه یک خط‌مشی می‌باشد و بر این اساس می‌توان گفت که سؤالات اساسی پیرامون خاتمه سؤالات مربوط به ارزش‌ها و ایدئولوژی‌هاست تا مسائل اقتصادی و کارایی (Deleon, 1978; Lizhen, 2009).

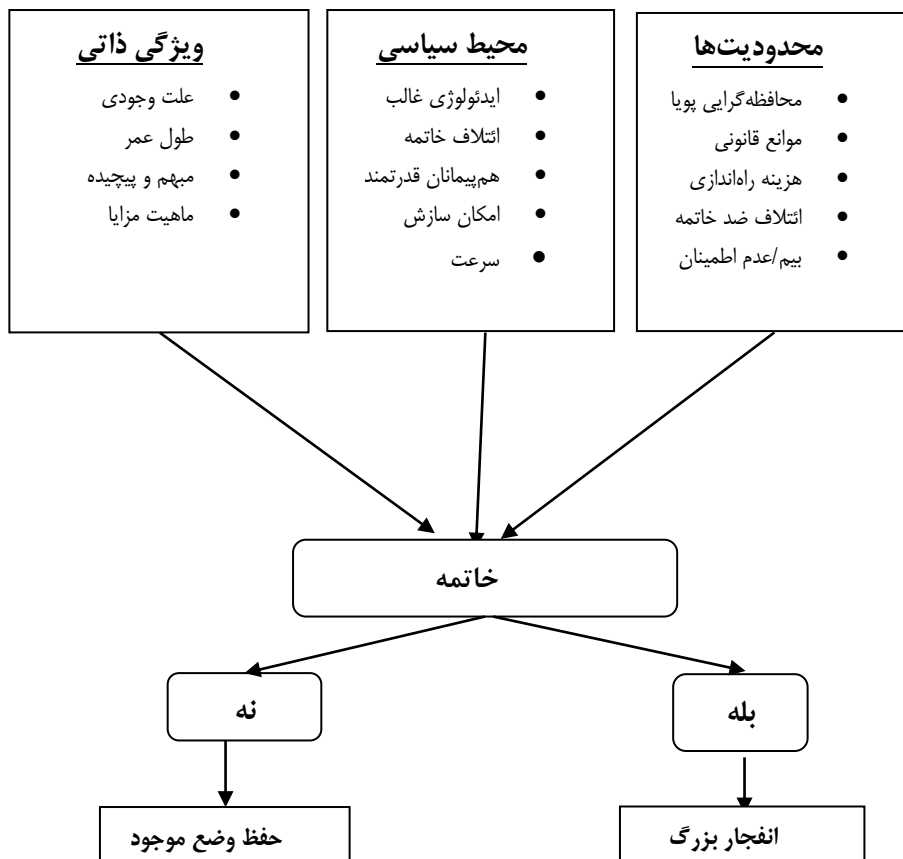
✓ در دسته‌بندی دیگری از موانع خاتمه خط‌مشی می‌گوی آیرس^{۲۲} با تجزیه و تحلیل ادبیات خاتمه در بیست سال گذشته، دسته‌بندی جدیدی از عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری در خصوص ممانعت از خاتمه ارائه کرده است. آیرس عنوان می‌کند که سازمان‌ها و خط‌مشی‌ها به‌ندرت خاتمه می‌یابند حتی اگر تصمیم‌گیرندگان متعهد به خاتمه و حذف خط‌مشی‌ها یا سازمان‌های ناکارآمد و ناموفق باشند؛ زیرا سطح تصمیم‌گیری درباره خاتمه‌بخشی یک سطح تصمیم‌گیری سیاسی است. در ادامه با بررسی ادبیات موجود درباره علل رایج برای عدم خاتمه، دسته‌بندی جدیدی با دو بعد وابسته به هم برای عدم تمایل برای خاتمه خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها و سازمان‌ها ارائه می‌نماید. بعد اول به ماهیت سازمان یعنی تمایل برای بقا و ماندن برمی‌گردد و عوامل هزینه شامل هزینه‌های احساساتی^{۲۳}، مالی، سیاسی و قانونی با هم بعد دوم را تشکیل می‌دهند (Iris, 2001).

۳-۶. مدل‌ها و چارچوب‌های خاتمه

براساس مطالعه ادبیات موجود درباره خاتمه خط‌مشی تا کنون دو مدل در باب موضوع خاتمه خط‌مشی ارائه شده است که هر دو محصول مطالعات انجام شده در حوزه خط‌مشی‌گذاری در کشور آمریکا است که در زیر به تشریح این مدل‌ها پرداخته می‌شود:

۳-۶-۱. مدل لستر و پترسون

جیمز پی لستر و مارک پترسون^{۲۴} در مطالعه خط‌مشی‌های مربوط به کالاهای عمومی متغیرهای تأثیرگذار بر خاتمه خط‌مشی‌ها در این حوزه را شناسایی کردند و مدلی توصیفی از خاتمه خط‌مشی ارائه کردند. آن‌ها معتقد بودند که چنین چارچوبی برای آماده کردن خط‌مشی‌گذاران برای درک بهتری از اینکه چطور یک برنامه یا خط‌مشی با موفقیت خاتمه می‌یابد، مفید است. در مدل ارائه‌شده توسط لستر و پترسون که یک مدل فرایندی برای خاتمه کالاهای عمومی^{۲۵} است، از سه متغیر اصلی: یعنی ویژگی‌های ذاتی^{۲۶}، محیط سیاسی^{۲۷} که خط‌مشی باید در آن خاتمه یابد و محدودیت‌های^{۲۸} خط‌مشی تأثیر می‌پذیرد که در زیر به تشریح مدل و متغیرهای آن پرداخته شده است.



نمودار شماره ۳. چارچوب تصمیم‌گیری در باب خاتمه بخشی خط‌مشی

(Laster, Peterson, 1999)

ویژگی‌های ذاتی

- علت وجودی^{۲۹}: این عامل به مأموریت درک شده از سازمان و خط‌مشی و مشروعیت آن در ذهن عامه و رهبران سیاسی جامعه برمی‌گردد.
- طول عمر^{۳۰}: این عامل به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در توانایی سازمان برای بقا و اجتناب از خاتمه توسط دلثون و کافمن معرفی شده است. سازمان‌های بالغ^{۳۱} بیشتر در مقابل خاتمه مصون هستند.
- مبهم و پیچیده^{۳۲}: سازمان‌ها و خط‌مشی‌هایی که مبهم و غیرقابل تشخیص هستند یا در اجرا با برنامه عملی پیچیده‌ای درگیر هستند، توانایی بیشتری برای اجتناب از خاتمه دارند.
- ماهیت مزایا^{۳۳}: تعداد افراد و بازیگران و مؤسسان که از خط‌مشی یا سازمان سود و منفعت می‌برند، بر توانایی سازمان یا خط‌مشی برای بقا در برابر خاتمه اثرگذارند.

محیط سیاسی

- ایدئولوژی غالب^{۳۴}: این عامل به اهمیت حمایت ایدئولوژیکی از یک خط‌مشی که ممکن است با تغییرات سیاسی در رهبری تغییر یابد، برمی‌گردد.
- ائتلاف خاتمه^{۳۵}: اندازه، قدرت و عزم این ائتلاف‌ها از متغیرهای مهم سیاسی در مواجهه با خاتمه می‌باشند.
- هم‌پیمانان قدرتمند^{۳۶}: این عامل ائتلاف‌های ضد خاتمه و خاتمه را در رسیدن به اهدافشان کمک می‌کند.
- امکان سازش^{۳۷}: این عامل یک تاکتیک حیاتی و اساسی برای جلوگیری از خاتمه است. اگرچه، زمانی که سازش ممکن نباشد حامیان یک خط‌مشی از گزینه سازش محروم می‌شوند و ائتلاف خاتمه می‌تواند به برتری دست یابد.
- سرعت^{۳۸}: عامل مهمی است برای اقدام سریع خاتمه‌گر به‌منظور جلوگیری از اقدامات احتمالی مخالفان خاتمه.

محدودیت‌ها

- ائتلاف‌های ضد خاتمه^{۳۹}: این ائتلاف‌ها متشکل از افراد اصلی ایجادکننده خط‌مشی یا سازمان، مقامات منتخب و عامه مردم‌اند که مخالف خاتمه خط‌مشی یا سازمان خاصی هستند.
- محافظه‌کاری پویا^{۴۰}: به توانایی سازمان یا خط‌مشی برای تطبیق با تغییرات محیطی و حصول اطمینان از بقا برمی‌گردد.
- موانع قانونی^{۴۱}: این عامل به تلاش‌ها برای جلوگیری از خاتمه از طریق فرایندهای قانونی برمی‌گردد.
- بیم و عدم اطمینان^{۴۲}: به بیم و هراسی که مدیران و رهبران سیاسی از تغییراتی که به‌عنوان نتیجه خاتمه خط‌مشی رخ می‌دهد، برمی‌گردد.
- هزینه راه‌اندازی^{۴۳}: این عامل به هزینه‌های خاتمه خط‌مشی و اتلاف هزینه‌هایی اولیه سرمایه‌گذاری شده برای راه‌اندازی این خط‌مشی برمی‌گردد (Lester, Peterson and Kirkpatrick, 1999).

۳-۶-۲. مدل کی

مدل دیگری که به‌طور مبسوط خاتمه خط‌مشی را مورد کنکاش قرار داده است حاصل کار کی^{۴۴} است. کی هدف از مطالعه خود درباره موضوع خاتمه خط‌مشی را ایجاد چارچوبی تحلیلی از فرایند خاتمه خط‌مشی به‌وسیله تجمیع کردن نظریه‌هایی از خاتمه خط‌مشی، تصمیم‌گیری و ادبیات نظریه سازمان عنوان می‌کند. در این مدل خاتمه خط‌مشی حاصل یک فرایند دومرحله‌ای تصور شده است که با متمایز دانستن عوامل محرک^{۴۵} شامل: مسائل مالی^{۴۶}، شکست خط‌مشی^{۴۷}، تغییر ایدئولوژیک^{۴۸} و عوامل بستر تصمیم‌گیری^{۴۹} شامل: ساختار دولت، ویژگی‌های خط‌مشی، نفوذ گروه‌های ذینفع و ویژگی‌های جامعه یک مدل دومرحله‌ای را پیشنهاد کرده است.

عوامل محرک

تصمیمات در باب خاتمه مستلزم تجدیدنظر درباره خط‌مشی موجود است. هم ادبیات خاتمه و هم تدوین دستورکار پیشنهاد می‌کند مسائلی که احتمالاً محرک تجدیدنظر در

باب یک خط‌مشی است، مسائل مالی، شکست خط‌مشی و نوسانات ایدئولوژی سیاسی را شامل می‌شود.

مسائل مالی

مسئله یا بقای سازمانی وابسته به منابع محیطی است. وقتی که ظرفیت محیط برای حمایت سازمان کاهش می‌یابد این وابستگی محیطی می‌تواند تهدیدی برای بقا شود. مسائل عمومی به‌طور کلی وابسته به منابع مالی دولت هستند و بنابراین با کاهش حمایت دولت احتمالاً آسیب‌پذیر می‌باشد. در حقیقت نزول و مرگ سازمان‌های دولتی فقط نشانه‌ای از کمیابی منابع است که ضرورتی را برای دولت‌ها برای خاتمه برخی برنامه‌ها، کاهش سطح فعالیت برنامه‌های دیگر و مواجهه با معاضه تقاضاهای جدید با برنامه قدیمی را ایجاد می‌کند. در مجموع آنچه که می‌تواند نسبت به مسائل مالی به‌عنوان یکی از عوامل محرک خاتمه خط‌مشی بیان کرد، این است که «کاهش بیشتر منابع دولتی، احتمال افزایش خاتمه خط‌مشی را به همراه دارد».

شکست خط‌مشی

مسئله عملکرد یک پدیده مشترک در سازمان‌هاست اما خط‌مشی‌های دولتی در این زمینه آسیب‌پذیرترند؛ زیرا فقدان رقابت و عدم وجود مشوق‌ها در بازار، اثربخشی آن‌ها را کاهش می‌دهد. برای خط‌مشی‌های عمومی انتظار برای پاسخگویی به نیازهای جامعه به‌طور مؤثر و موفق معیاری برای موفقیت یا شکست یک خط‌مشی دولتی محسوب می‌شود. شکست برای این مأموریت فشار را برای تغییر خط‌مشی، اصلاح یا خاتمه ایجاد می‌کند. لذا به‌طور خلاصه می‌توان گفت که «عملکرد ضعیف‌تر خط‌مشی‌های دولتی احتمال خاتمه آن‌ها را افزایش می‌دهد».

تغییر ایدئولوژیک

ایدئولوژی سیاسی سومین عامل برای تحریک خاتمه خط‌مشی به حساب می‌آید. ایدئولوژی، فشارهای ذهنی و احساسی مورد نیاز برای متقاعد کردن سیستم برای تغییر را مهیا می‌کند. اکثر تغییرات ایدئولوژیک مرتبط با هدف این مطالعه تغییر در باب

ترجیحات درباره نقش دولت می‌باشد. تغییرات در ترجیحات شهروندان و سیاسیون احتمال ایجاد تلاش برای کاهش اندازه دولت به وسیله خاتمه خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها یا مؤسسات را افزایش می‌دهد؛ لذا «افزایش در ترجیحات ایدئولوژیک برای کاهش اندازه و نقش دولت احتمال خاتمه خط‌مشی را افزایش می‌دهد».

عوامل بستر تصمیم‌گیری

در اینجا دو مرحله از فرایند تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گرفته است. وقتی که وقایع (ماشه‌ای) محرک^{۱۰} فشار برای تجدیدنظر در باب یک خط‌مشی وارد می‌کند تصمیم‌گیرندگان سه گزینه را پیش روی دارند: (۱) حفظ وضع موجود (۲) تغییر شیوه اجرای خط‌مشی (۳) خاتمه خط‌مشی. حفظ وضع موجود به‌عنوان یکی از گزینه‌های پیش‌فرض نگریسته می‌شود و نیروهای درونی می‌توانند این انتخاب را تضمین کنند مگر آنکه وقایع محرک قوی‌تر و مهم‌تری برای خط‌مشی‌گذاران باشند. در برخی نمونه‌ها اجرای تغییر خط‌مشی یک واکنش بادوام به رویدادهای محرک را پیشنهاد می‌کند. راهکارهای مشترک برای تغییر شامل: (۱) کاهش دامنه خط‌مشی (۲) به کارگیری ابزار ارزان‌تر برای ارائه خدمت (۳) اصلاح تدارک عمومی برای افزایش کارایی یا کاهش هزینه عمومی. امکان‌پذیری این راهکارها به ویژگی‌های خط‌مشی و وقایع محرک خاص بستگی دارد. گزینه سوم خاتمه خط‌مشی است که در برخی نمونه‌ها این گزینه فقط وقتی که تلاش برای تغییر اجرای خط‌مشی به شکست منجر شد، مورد توجه قرار می‌گیرد. امکان‌پذیری خاتمه خط‌مشی از بستر تصمیم‌گیری که خط‌مشی در آن رخ می‌دهد، تأثیر می‌پذیرد. یکی از عوامل تأثیرگذار از جنس بستر تصمیم‌گیری ساختار دولت می‌باشد. عامل دیگر گروه‌های ذی‌نفوذ و همچنین ویژگی‌های جامعه هم به‌عنوان عوامل بستر تصمیم‌گیری بر خاتمه خط‌مشی تأثیر می‌گذارد.

ساختار دولت

ساختار دولت یک بخش مهمی از سیستم تصمیم‌گیری است که بر پیامد خط‌مشی تأثیر می‌گذارد. اولاً وقتی که تصمیمی اتخاذ می‌گردد، تصمیم‌گیرنده از رویه‌های عملیاتی و قوانین مشخصی تبعیت می‌کند. نتیجه آن خواهد بود که چه تصمیمی می‌توان اتخاذ کرد

و چطور این تصمیم اتخاذ می‌شود. دوما، طراحی ساختار دولت می‌تواند اختیار مدیریتی و قدرت سیاسی متفاوت برای مقامات دولتی برای اقدام کردن در مورد مباحثی همانند خاتمه خط‌مشی را مهیا نماید. بعلاوه ساختار دولت، بخشی از هنجارهای رسمی و غیررسمی و ترجیحات ارزشی^{۵۱} بازیگران را شکل می‌دهد. نهایتاً ساختار دولت مجموعه راهکارها و انتخابات را محدود می‌کند.

ویژگی‌های خط‌مشی^{۵۲}

قابلیت انتخاب گزینه خاتمه خط‌مشی به ویژگی‌های عملیاتی خط‌مشی^{۵۳} بستگی دارد. این ویژگی‌ها شامل اندازه خط‌مشی (به گسترده و دامنه جامعه هدف یک خط‌مشی برمی‌گردد)، تقاضا برای خدمات و ظرفیت بخش خصوصی برای تدارک خدمات است. «بزرگی خط‌مشی و تقاضای زیاد برای آن، احتمال خاتمه را کاهش می‌دهد».

سهولت در دسترسی به مدل‌های جایگزین ارائه خدمات ممکن است بر تصمیمات درباره خاتمه خط‌مشی تأثیر گذارد؛ برای مثال اگر یک ارائه‌کننده بخش خصوصی وجود داشته باشد، تصمیم‌گیرندگان ممکن است به تدارک بخش خصوصی به‌عنوان یک جایگزین برای ارائه خدمات مورد نیاز نگاه کنند که این احتمال خاتمه را افزایش می‌دهد؛ لذا «توسعه ارائه خدمات توسط بخش خصوصی احتمال خاتمه خط‌مشی در بخش عمومی را افزایش می‌دهد».

گروه‌های ذی‌نفوذ

وجود گروه‌های ذی‌نفوذ یکی دیگر از عوامل مهم فرایند تصمیم‌گیری است. در یک نظام دموکراتیک گروه‌های متفاوت به‌طور فعال در نظام سیاسی مشارکت دارند. این گروه‌ها به‌طور مستمر درگیر اعمال نفوذ در سیستم قانون‌گذاری، شاخه اجرایی و قضایی هستند. آن‌ها توجه خود را بر مسائل عمومی، ارتقای راه‌حل‌ها و مطرح کردن لایحه‌های قانونی برای قانون‌گذاران یا ارائه اطلاعات مهم و تخصصی برای قانون‌گذاران متمرکز کرده‌اند. وجود گروه‌های ذی‌نفوذ یک محدودیتی برای اقدامات دولتی در هر نظام سیاسی محسوب می‌شود. در چنین سیستمی، خط‌مشی‌ها محصول یک فرایند تصمیم‌گیری منطقی نمی‌باشد بلکه نتیجه رقابت سیاسی، مذاکره و سازش

میان بازیگران و نیروهای مختلف است؛ پس می‌توان ادعا کرد که اکثر اقدامات دولت در چنین نظامی می‌تواند به‌عنوان نتیجه مجادله میان گروه‌هایی از افراد با منافع متفاوت نگریسته شود. طی فرایند خاتمه خط‌مشی، فعالیت گروه‌های ذی‌نفوذ فعال شکل می‌گیرد که عموماً به‌عنوان یک ائتلاف حامی خاتمه یا ضد خاتمه مطرح می‌شوند. یکی از قوی‌ترین گروه‌های ذی‌نفوذ بسیار مهم، کارکنان بخش عمومی هستند که به‌طور مستقیم بر تصمیم‌گیری در باب خاتمه خط‌مشی تأثیرگذار می‌باشند. خط‌مشی خاتمه‌یافته به‌طور مستقیم اثرات منفی و شخصی بر کارکنان درگیر آن خط‌مشی دارد و بنابراین آن‌ها در برابر خاتمه آن مقاومت می‌کنند. مخالفت این‌گونه از کارکنان اگر اندازه گروه بزرگ و به‌خوبی سازمان‌یافته باشند، مؤثرتر است؛ لذا «قدرتمند بودن کارکنان بخش دولتی به‌عنوان گروه ذینفع، خاتمه خط‌مشی را کاهش می‌دهد».

گروه‌های ذینفع^{۵۴} برنامه‌های عمومی احتمالاً در برابر خاتمه خط‌مشی مقاومت خواهند کرد. اثربخشی چنین گروه‌های وابسته به ظرفیتشان برای سازمان‌دهی و نفوذ بر تصمیم‌گیرندگان دارد. البته مخالفت سیاسی قوی از سوی چنین گروه‌های به‌هرحال می‌تواند یک مدیر دولتی را مجبور به معکوس کردن تصمیم خاتمه نماید. برای بسیاری از برنامه‌های دولتی گروه‌های ذینفع ضعیف و بدون سازمان‌دهی وجود دارد که توانایی آن‌ها برای مقاومت و مخالفت محدود است؛ لذا «قدرتمند بودن گروه‌های ذی‌نفع، خاتمه خط‌مشی را کاهش می‌دهد».

ویژگی جامعه

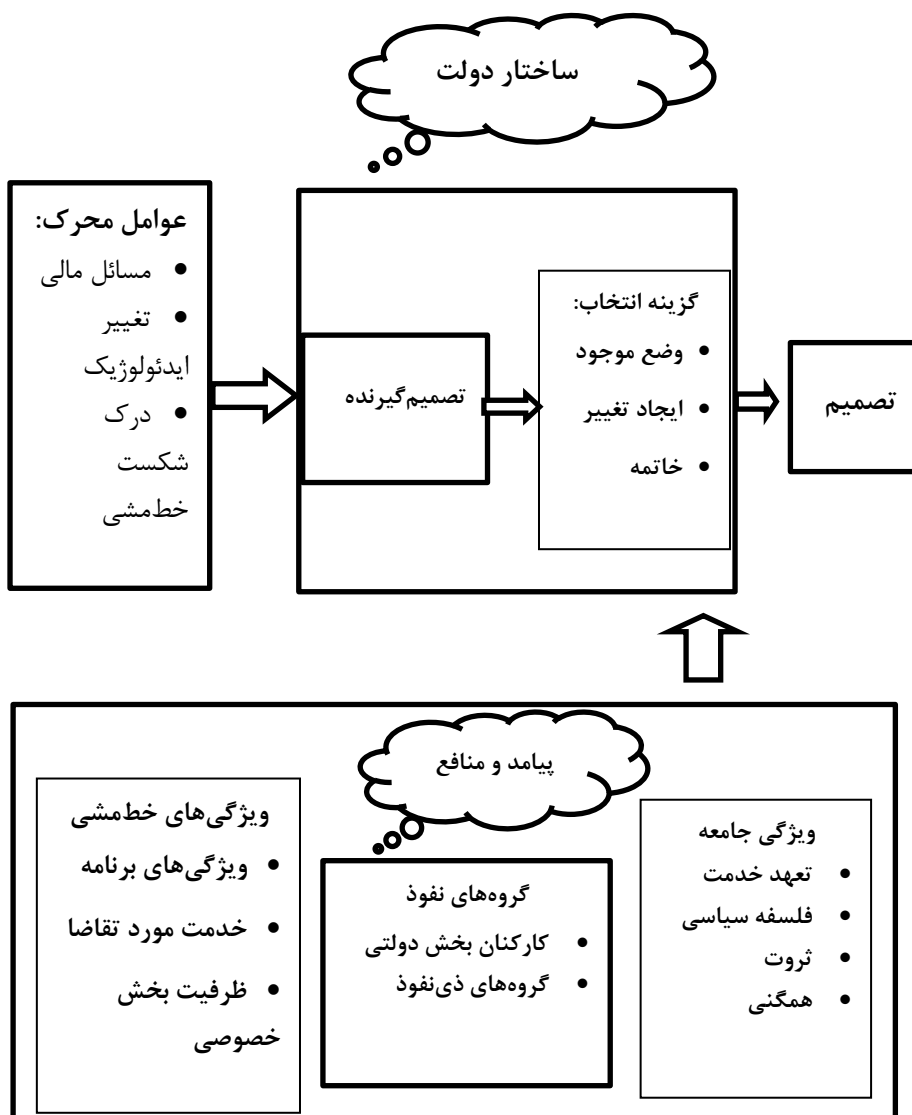
ویژگی جامعه^{۵۵} بر ترجیحات مقامات دولتی تأثیر می‌گذارد و مشوق‌هایی برای نوع خاصی از رفتار را مهیا می‌کند و در نتیجه پیامدهای خط‌مشی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چهار عامل مهم برای تصمیم خاتمه خط‌مشی در اینجا مورد توجه هستند که عبارت‌اند از: تعهد جامعه در برابر عرصه خدمت^{۵۶}، فلسفه سیاسی^{۵۷}، میزان همگنی^{۵۸} و میزان ثروت^{۵۹}.

جوامع از نظر الزاماتشان به حوزه خدمات گوناگون، با هم متفاوت هستند. برای مثال برای یک جامعه خط‌مشی‌های آموزشی مورد توجه است و احتمال کمی وجود دارد که چنین خط‌مشی (آموزشی) که مورد حمایت و توجه جامعه است، خاتمه یابد.

اگرچه سنجش تعهد و الزام جامعه نسبت به یک حوزه از خدمات مشکل است، اما شاید شاخص مناسب برای اندازه‌گیری، نسبت بودجه در آن حوزه و عرصه خط‌مشی باشد؛ لذا «خط‌مشی و برنامه‌ها در عرصه خط‌مشی که نسبت زیادی از بودجه دولت را به خود اختصاص داده است، احتمال کمی برای خاتمه دارد».

ترجیحات جامعه درباره نقش دولت بخش گسترده‌ای از فلسفه سیاسی آن جامعه را تشکیل می‌دهد. جوامعی که در آن دولت بیشتر محافظه‌کار هستند، نسبت به نقش دولت در ارائه خدمات محتاط‌تر هستند. این فلسفه مقامات منتخب را به ارائه خدمات توسط بخش خصوصی ترغیب می‌کند و در چنین جامعه‌ای خاتمه خط‌مشی محتمل‌تر و مورد قبول‌تر است؛ لذا «خاتمه خط‌مشی در یک جامعه با فلسفه سیاسی محافظه‌کار محتمل‌تر است».

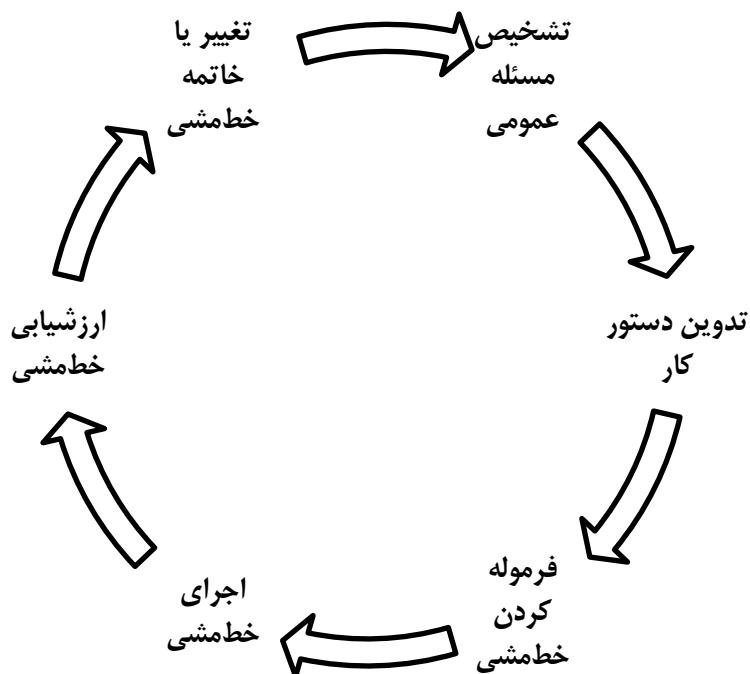
جوامع با جمعیت همگن به احتمال زیاد ترجیحات ثابت‌تری دارند. این ترجیحات ثابت می‌تواند محافظه‌کار یا آزادی‌خواه باشد اما همگنی جمعیت بیشتر باید درباره توافق و اجماع در مورد خدماتی باشد که مورد تقاضای آن‌هاست (Ke Ye, 2007)؛ لذا «همگنی جمعیت در یک اجتماع بر تصمیم درباره خاتمه خط‌مشی تأثیر می‌گذارد».



در موضوع مطالعه مدل‌ها و چارچوب‌ها داشتن نگاه تطبیقی در کاربرد این مدل‌ها در سایر کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اولین و مهم‌ترین سؤالی که با آن مواجه هستیم این است که آیا مدل‌ها و چارچوب‌های آمریکایی در سایر کشورها من جمله کشور ما ایران کاربردی دارد یا نه؟ پیتر دلئون در مطالعه تطبیقی با عنوان «مطالعه موردی برنامه همبستگی ملی در مکزیک: مطالعه خاتمه خط‌مشی تطبیقی»^۶، به بررسی این موضوع پرداخته است و در پاسخ به سؤال مطرح شده در بالا، بیان می‌کند که علم خط‌مشی تا حد زیادی بستر محور است و دلیلی کمی در تأیید این ادعا که آنچه در یک شهر یا کشور درست است در سایر شهرها و کشورها نیز صحیح می‌باشد، وجود دارد. بسترها می‌توانند تغییر کنند و این تغییرات بر خط‌مشی‌ها و خروجی‌های آن‌ها تأثیر می‌گذارد. نویسنده در پایان این مطالعه بیان می‌کند که تناسب و تجانس بین تجربیات خاتمه در آمریکا و مکزیک همیشه صحیح نیستند؛ اما برخی تعمیمات سودمند در این مطالعات امکان ایجاد دارند (Deleon and Hernandez, 2001).

۴. چرخه خط‌مشی‌گذاری در ایران

در ایران چهار سطح مدیریتی وجود دارد که در پیوند تنگاتنگ با هم جامعه را مدیریت می‌کنند: ۱. سطح ابر خط‌مشی‌ها (رهبری نظام و ستادهای تخصصی ایشان)، ۲. سطح خط‌مشی‌ها (دولت به مفهوم سه قوه یا مدیریت سیاسی)، ۳. سطح راهبردهای خط‌مشی (مدیریت دولتی)، ۴. سطح راهبردهای بنگاهی (مدیریت بخش خصوصی)؛ به عبارت دیگر سطح نخست خط‌مشی‌های (سیاست‌های) کلان را تدوین و سطح دوم در پرتو آن‌ها، خط‌مشی‌های عمومی را وضع می‌کند و سطح سوم ضمن دخالت در تدوین خط‌مشی به اجرای آن‌ها در عمل می‌پردازد و سطح چهارم در کنار مدیریت دولتی به تحقق اهداف کلان کشور در پرتو راهبردهای بنگاهی کمک می‌کند. چرخه خط‌مشی‌گذاری در نمودار شماره (۵) را ببینید:



نمودار شماره ۵. فرایند خط‌مشی‌گذاری در ایران

همان‌طور که در چرخه خط‌مشی‌گذاری می‌بینید ابتدا یک مسئله عمومی (برای مثال بیکاری) از کانال‌های مختلف (نهادهای تخصصی دولت، مطبوعات، گروه‌های ذی‌نفع و ...) به مرکز تصمیم‌گیری قوه مجریه (هیئت دولت) وارد می‌شود. پس از تصویب، رئیس‌جمهور به‌صورت لایحه به مجلس ارائه می‌شود. مصوبه مجلس (با در نظر گرفتن شورای نگهبان) به رئیس‌جمهور ابلاغ و رئیس دولت آن را برای اجرا به مدیریت دولتی ابلاغ می‌کند تا با کمک بخش خصوصی آن را اجرا کند. در گذر زمان خط‌مشی‌ها ارزش‌یابی شده و امکان دارد دچار تغییراتی شوند یا اینکه به‌طور کامل خاتمه یابند. مجدد در اثر آثار جانبی این خط‌مشی‌ها، چرخه خط‌مشی‌گذاری تکرار می‌شود. در این چرخه مرحله فرموله کردن حائز اهمیت است. اگرچه این مرحله به‌نوعی در هیئت دولت باید انجام شود و نمایندگان دست به انتخاب بزنند، اما گاهی در خود مجلس نیز در باب خط‌مشی‌هایی، فرموله کردن توسط نمایندگان انجام

می‌شود. در هیئت دولت با توجه به مرکز پیشنهاددهنده خط‌مشی، لایحه پیشنهادی حاوی خط‌مشی بوده و در مجلس نیز طرح نمایندگان حاوی چنین خط‌مشی‌هایی است (دانایی فرد، ۱۳۸۸)

۴-۱. خط‌مشی عمومی لرزان

خط‌مشی عمومی اشاره به مجموعه‌ای از اقدام‌های دولت دارد که به صورت نسبتاً ثابت و هدفمند برای حل یک معضل عمومی انجام می‌شود. شکل‌گیری و تدوین خط‌مشی عمومی محصول یک فرآیند نظام‌مندی است که با شناسایی مسئله عمومی آغاز می‌گردد که انتظار می‌رود خروجی این فرآیند از پختگی و عقلانیت لازم برخوردار باشد. حال اگر فرایند خط‌مشی‌گذاری تحت تأثیر عوامل علی شامل عوامل ساختاری (همانند: ضعف در سیاست‌پژوهی و آینده‌پژوهی، کم‌توجهی به ظرفیت‌ها در اجرا و...)، فرایندی (همانند کم‌توجهی به وجوه عقلانیت در فرایند خط‌مشی‌گذاری، مسیرزدگی در حل مسائل عمومی و...)، منابع انسانی و سیاسی فضای (عوامل در جدول شماره ۱ ذکر شده است) خط‌مشی‌گذاری مورد مذاقه این پژوهش قرار گیرد، آن خط‌مشی از وزانت و استحکام لازم برخوردار نبوده و به یک خط‌مشی عمومی لرزان تبدیل می‌گردد. وقتی در فرآیند خط‌مشی‌گذاری به عنوان مثال به امر سیاست‌پژوهی و آینده‌پژوهی توجه نمی‌شود و یا اینکه بین خط‌مشی تدوین‌شده با خط‌مشی‌های کلان نظام‌ها رمونی لازم وجود نداشته باشد و حتی در سطح افقی بین خط‌مشی‌های هم‌عرض همخوانی نباشند و موارد دیگر که در قسمت کدگذاری محوری به آن‌ها اشاره شده است، خط‌مشی عمومی در محتوا و ماهیت دچار تزلزل می‌گردد.

۴-۲. رهاشدگی خط‌مشی عمومی

وقتی که خط‌مشی به عنوان محصول نهایی فرآیند خط‌مشی‌گذاری از وزانت و استحکام لازم برخوردار نباشد، خط‌مشی عمومی لرزان شکل می‌گیرد که در همین راستا مجریان خط‌مشی در مواجهه با چنین وضعیتی راهبرد «رهاشدگی، معطل گذاشتن خط‌مشی»^{۶۱} را در پیش می‌گیرند و سعی می‌کنند تا با خارج کردن آن خط‌مشی از کانون توجه افکار

عمومی و جامعه هدفی که آن خط‌مشی برای آن طراحی گردیده است و در سکونت رسانه و مطبوعات خط‌مشی ره‌اشده را به سمت خاتمه‌بخشی سوق دهند.

۳-۴. نمونه‌های موردی از ره‌اشدگی خط‌مشی در ایران

در این بخش پژوهشگر به منظور درک و فهم پدیده ره‌اشدگی خط‌مشی که پیش‌زمینه خاتمه خط‌مشی است به شناسایی نمونه‌های واقعی از خط‌مشی‌های ره‌اشده (معطل‌مانده) در فضای خط‌مشی‌گذاری ایران پرداخته است. این خط‌مشی که شناسایی آن‌ها حاصل بررسی‌های میدانی، مصاحبه با طراحان خط‌مشی و مطالعه گزارشات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی است، عبارت‌اند از: خط‌مشی تسهیل ازدواج جوانان، خط‌مشی ساماندهی مد و لباس، خط‌مشی پذیرش دانشجو (حذف کنکور) و برخی از مواد قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران.

۱-۳-۴. خط‌مشی تسهیل ازدواج جوانان

این خط‌مشی با عنوان تسهیل ازدواج جوانان و با هدف توانمندسازی جوانان و خانواده‌ها در سال ۱۳۸۴ تصویب شد. طبق این قانون دولت مکلف شد تا صندوقی با عنوان صندوق اندوخته ازدواج ایجاد کند و آیین‌نامه اجرای این قانون را ظرف سه ماه تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران برساند. در این قانون تسهیلات مناسبی برای ازدواج در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از:

- اعطای کمک هزینه برای زوج‌های بیکار؛
- اعطای ودیعه مسکن؛
- ساخت مسکن از طریق روش‌های انبوه‌سازی، کوچک‌سازی، ارزان‌سازی و اجاره به شرط تملیک؛
- اعطای تسهیلات رفاهی از طریق استفاده از امکانات فرهنگ‌سراها و تالارها و...؛
- تعیین محل خدمت سربازان متأهل در نزدیک‌ترین پادگان و مرکز نظامی محل سکونت و پرداخت مستمری سربازان متأهل؛

اما نکته مهم در این رابطه آن است که این قانون هنوز اجرا نشده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۹).

۴-۳-۲. خط‌مشی نظام پذیرش دانشجو

نظام پذیرش دانشجو در ایران طی سال‌های گذشته همواره دستخوش تغییر و تحولات جدی بوده است. این تغییرات از یک سو سبب شد تا ضمن مطالعه نظام‌های نوین سنجش و به کارگیری آن در ایران رشد چشمگیری در روش‌های برگزاری آزمون حاصل شود، اما از سوی دیگر تأثیرات و پیامدهای منفی نیز بر نظام‌های آموزشی، جوانان و خانواده‌های آنان به جا گذاشته است. پیامدهایی که البته زمان زیادی برای جبران لازم دارد. برخی از عمده‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: آسیب بر آموزش و پرورش کشور، آسیب بر سلامت جسمانی و روانی دانش‌آموزان و خانواده‌ها، آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از قبیل؛ افزایش نگرانی و تنش اجتماعی و خانوادگی، مدرک‌گرایی و بهای بیش از حد به تحصیلات دانشگاهی و قبولی در کنکور، رواج برخی مهارت‌های کاذب مانند آزمون‌های چندگزینه‌ای، دامن زدن به فاصله طبقاتی و محروم شدن برخی دانش‌آموزان از تحصیل در دانشگاه‌ها به علت نداشتن تمکن مالی برای شرکت در کلاس‌های کنکور.

با توجه به مسائل و مشکلات فوق و نیز اهمیت موضوع و میزان تأثیرگذاری آن بر ابعاد مختلف جامعه، طی سال‌های گذشته مجلس و دولت در تلاش بوده‌اند تا به معماری جدیدی از نظام پذیرش دانشجو در ایران بپردازند. از این رو شورای عالی انقلاب فرهنگی در جامعه ۵۰ مورخ ۱۳۶۶/۷/۷، وزارت علوم را مکلف به تشکیل کمیته مطالعه و برنامه‌ریزی آزمون ورودی دانشگاه‌ها کرده است. همچنین در جلسه شماره ۳۰۶ مورخ ۱۳۷۲/۳/۲۸ همین شورا، سازمان سنجش آموزش کشور را به ارائه طرحی برای بهبود و ارتقای شیوه پذیرش در دانشگاه‌ها ملزم کرده که متعاقب آن طرح‌ها و لوایح مختلفی تدوین و تبدیل به قانون شده است که انتظار می‌رفت این قوانین مشکل به وجود آمده را حل کند؛ اما با وجود تدوین و تصویب قوانین پی‌درپی، هر روز مشکلات بیشتر و پیچیده‌تر شده است، به طوری که در بند «ج» ماده (۴۸) قانون

برنامه چهارم توسعه، در راستای اهداف سند چشم‌انداز، دولت موظف به «اتخاذ تدابیر لازم در جهت اصلاح نظام آموزش کشور و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، با توجه به سوابق تحصیلی در سنوات دوره متوسطه و جلب مشارکت دانشگاه‌ها به منظور ارتقای توانایی، خلاقیت و نوآوری، خطرپذیری و کارآفرینی آموزش‌گیرندگان و ایجاد روحیه آموختن و پژوهش مستقل در میان نسل جوان» شده است.

به این منظور، مجلس هفتم و دولت، برای پذیرش دانشجو اقدام به تدوین نظامی کرده‌اند که تأکید و توجه صرف به کنکور حذف و به‌جای آن سوابق آموزشی دانش‌آموزان برای پذیرش در دانشگاه‌ها مدنظر قرار گیرد. بر اساس این قانون که به قانون حذف کنکور نیز شهرت یافته است، دولت موظف است تا پایان سال اول قانون برنامه پنجم توسعه، آزمون‌های سراسری ورودی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را به‌طور کامل حذف نماید (ماده (۲) قانون پذیرش دانشجو، مصوب ۱۳۸۶/۸/۹).

همان‌طور که در بالا ذکر شده است (ماده ۲ خط‌مشی فوق) در این قانون مقرر گردیده است که کنکور سراسری به‌عنوان غربال پذیرش دانشجو تا پایان سال اول قانون برنامه پنجم توسعه به‌طور کامل حذف گردد.

ولی این کار عملاً تاکنون که در سال سوم قانون برنامه پنجم توسعه هستیم عملیاتی نگردیده است و تا حدودی این خط‌مشی از کانون توجه خارج گردیده است و هر از چند گاهی توسط رسانه ملی پررنگ می‌گردد؛ لیکن چون این امر به‌صورت مقطعی است دوباره به‌سرعت از کانون توجه افکار عمومی و مسئولان دور می‌گردد و نتیجتاً این خط‌مشی دچار رهاشدگی و معطل مانده است.

۵. روش‌شناسی پژوهش: راهبرد نظریه داده‌بنیاد

راهبرد پژوهشی مورد استفاده در این پژوهش «نظریه داده‌بنیاد» است. خردمایه استفاده از این راهبرد در این مرحله از پژوهش به کاربری آن بازمی‌گردد؛ راهبرد پژوهشی نظریه داده‌بنیاد، روشی نظام‌مند و کیفی برای خلق نظریه‌ای است که در سطحی گسترده، به تبیین فرآیند، کنش یا کنش متقابل موضوعی با هویت مشخص می‌پردازد (کرسول^{۶۲}، ۲۰۰۲، صص ۳۰-۱۲۴). از آنجاکه طراحی مدلی برای تبیین خاتمه‌بخشی

خط‌مشی‌های عمومی در ایران مطلوب این پژوهش بود، لذا راهبرد نظریه داده‌بنیاد انتخاب شد تا با این مطلوب سازگاری داشته باشد. بر همین اساس از طرح نظام‌مند^{۶۳} استراوس و کوربین^{۶۴} استفاده شد. براساس این طرح، برای تحلیل داده‌های کیفی گردآوری‌شده لازم است تا سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی^{۶۵} سپری شوند تا در نهایت، پارادایمی منطقی^{۶۶} یا تصویری عینی از نظریه خلق‌شده ارائه گردد (استراوس^{۶۷} و همکاران، ۱۹۹۸).

۵-۱. رویه گردآوری و تفسیر داده‌ها

در مرحله نخست داده‌های کیفی از خلال مصاحبه‌های عمیق با مشارکت‌کنندگان پژوهش گردآوری شد. به این صورت که با ۲۷ نفر از خط‌مشی‌گذاران نظام اداری و مدیریت دولتی ایران در ارتباط با خاتمه‌بخشی خط‌مشی‌های عمومی مصاحبه‌هایی رودررو، عمیق و با طرح پرسش‌های باز بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه انجام شد. نمونه‌گیری به صورت نظری انجام شد. نمونه‌گیری نظری، نوعی نمونه‌گیری هدف‌مند است که پژوهشگر را در خلق یا کشف نظریه یا مفاهیمی که ارتباط نظری آن‌ها با نظریه در حال تکوین به اثبات رسیده است، یاری می‌کند.

راهنمای نمونه‌گیری نظری، پرسش‌ها و مقایسه‌هایی هستند که در خلال تجزیه و تحلیل مفاد مصاحبه‌ها با افراد بروز می‌یابند و موجب کشف مقوله‌های مناسب، خصوصیات و ابعاد آن‌ها می‌شوند (استراوس و همکاران، ۱۹۹۸). نمونه‌گیری نظری تا رسیدن مقوله‌ها به اشباع نظری ادامه یافت؛ اشباع نظری^{۶۸} مرحله‌ای است که در آن داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله پدیده نمی‌آیند، مقوله گستره مناسبی می‌یابد و روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید می‌شوند (استراوس و همکاران، ۱۹۹۸).

۵-۲. کدگذاری داده‌ها

هم‌زمان با گردآوری داده‌ها کدگذاری آن‌ها نیز انجام گرفت. با کدگذاری باز، مضمون‌های بسیاری حاصل شد که طی فرآیند رفت و برگشتی تحلیل داده‌ها، مجموعه این داده‌های کیفی اولیه به مقوله‌های کمتری تقلیل یافت. به طوری که از دل داده‌های خام اولیه، مقوله‌های مقدماتی در ارتباط با پدیده مورد بررسی - از طریق سؤال کردن

درباره داده‌ها، مقایسه موارد، رویدادها و دیگر حالات پدیده‌ها، برای کسب شباهت‌ها و تفاوت‌ها - استخراج می‌شوند (استراوس و همکاران، ۱۹۹۸). در مرحله بعد (کدگذاری محوری)، یکی از مقوله‌ها (مقوله اصلی) محور فرآیند در حال بررسی و اکتشاف قرار گرفت و سپس مقوله‌های دیگر به طور نظری به آن ارتباط داده شد. براساس تحلیل داده‌های کیفی، مرحله کدگذاری محوری تدوین گردید که طبق آن، خط ارتباطی میان مقوله‌های پژوهش شامل شرایط علی، مقوله محوری، بستر، شرایط مداخله‌گر، راهبرد و پیامدها مشخص شد. نمونه‌ای از داده‌های کیفی به‌دست‌آمده از فرآیند مزبور در قالب جدول ۱ ارائه شده است:

جدول شماره ۱. کدگذاری باز و داده‌های کیفی مربوط به شرایط علی

(چالش‌های فضای خط‌مشی‌گذاری)

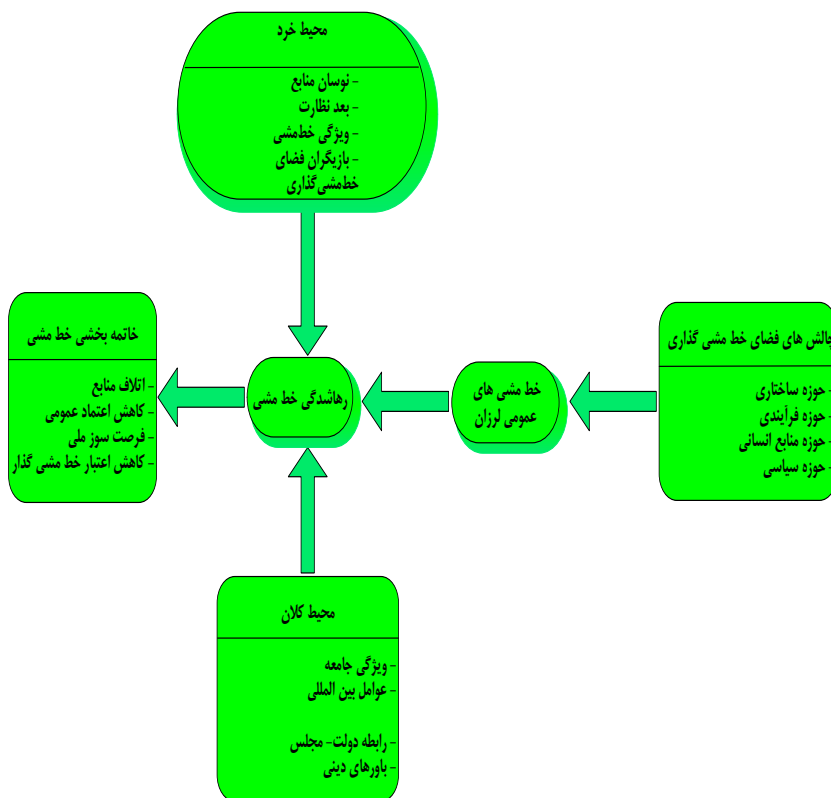
مفهوم	مقوله	ابعاد پژوهش
ضعف در سیاست پژوهشی در هنگام تدوین خط‌مشی	حوزه ساختاری فضای خط‌مشی‌گذاری	چالش‌های فضای خط‌مشی‌گذاری (شرایط علی)
ضعف در آینده‌پژوهشی در هنگام تدوین خط‌مشی		
تنقیح ضعف در نظام خط‌مشی‌گذاری		
کم‌توجهی به ظرفیت‌ها در بخش اجرا در هنگام تدوین خط‌مشی		
تعدد مراکز خط‌مشی‌گذاری در کشور		
بی‌ثباتی در اولویت‌های خط‌مشی‌گذاری		
تهیه‌گزینشی الزامات اجرا توسط مجری خط‌مشی		
کم‌توجهی به وجوه عقلانیت در نظام خط‌مشی‌گذاری	حوزه فرآیندی فضای خط‌مشی‌گذاری	
سطحی‌نگری در برخورد با مسائل		
مسیرزدگی در حل مشکلات عمومی در نظام خط‌مشی‌گذاری		
هم‌راستایی افقی ضعیف بین خط‌مشی‌های هم‌عرض		
هم‌راستایی عمودی ضعیف بین خط‌مشی‌ها و خط‌مشی‌های کلان		

مفهوم	مقوله	ابعاد پژوهش
برخورد شخصی و احساسی در شناسایی مسئله	حوزه منابع انسانی فضای خط‌مشی‌گذاری	
برخورد شخصی و احساسی در تدوین خط‌مشی		
توانایی و شایستگی نیروی انسانی به‌عنوان یکی از ابزار اجرای خط‌مشی امری حیاتی است.		
تمایلات منیت‌گرایانه بین خط‌مشی‌گذاران و مجریان خط‌مشی		
عادی شدن عدم اجرای خط‌مشی در رفتار مجری خط‌مشی		
موضوع‌زدگی در میان خط‌مشی‌گذاران و مجریان خط‌مشی	عوامل سیاسی فضای خط‌مشی‌گذاری	
مصلحت‌اندیشی سیاست‌زده در میان خط‌مشی‌گذاران و مجریان خط‌مشی		
نظارت سیاست‌زده در ارزیابی از خط‌مشی‌ها		
نقدپذیری ضعیف درون‌گفتمانی میان خط‌مشی‌گذاران و مجریان خط‌مشی		
هم‌راستایی ضعیف بین قوا		
تغییرات مدیریتی سیاست‌زده		

بر اساس تحلیل داده‌های کیفی، مرحله کدگذاری محوری تکمیل شد که طبق آن، خط ارتباطی میان مقوله‌های پژوهش شامل شرایط علی، مقوله محوری، بستر، شرایط مداخله‌گر، راهبرد و پیامدها مشخص شد. نمودار شماره ۳، مرحله کدگذاری محوری و به‌عبارت‌دیگر مدل فرآیند کیفی پژوهش را نشان می‌دهد.

۳-۵. گزاره‌های حکمی (قضایا) پژوهش

- بر پایه مؤلفه‌های مرحله کدگذاری محوری قضایای زیر به دست می‌آیند:
- قضیه ۱: چالش‌های فضای خط‌مشی‌گذاری در حوزه‌های ساختاری، فرآیندی، منابع انسانی و سیاسی در ایران شرایط علی برای میل به ایجاد خط‌مشی‌های عمومی لرزان محسوب می‌شوند.
- قضیه ۲: رهاشدگی خط‌مشی‌های عمومی کنشی برای خط‌مشی‌های عمومی لرزان است.
- قضیه ۳: عوامل محیط خرد شامل ویژگی خط‌مشی، بازیگران فضای خط‌مشی‌گذاری، نوسان منابع و بعد نظارت زمینه و بستری خاص را برای تحقق راهبرد رهاشدگی خط‌مشی‌های عمومی ایجاد می‌کند.
- قضیه ۴: شرایط مداخله‌گر محیط کلان شامل ویژگی جامعه، عوامل بین‌المللی فضای خط‌مشی‌گذاری، رابطه دولت-مجلس و باورهای دینی بستری عام را برای تحقق راهبرد رهاشدگی خط‌مشی عمومی فراهم می‌آورند.
- قضیه ۵: راهبرد رهاشدگی خط‌مشی، شرایط مداخله‌گر محیط کلان (ویژگی جامعه، عوامل بین‌المللی فضای خط‌مشی‌گذاری، رابطه دولت-مجلس و باورهای دینی) و شرایط مداخله‌گر محیط خرد (شامل ویژگی خط‌مشی و بازیگران فضای خط‌مشی‌گذاری، نوسان منابع و بعد نظارت) پیامد خاتمه‌بخشی خط‌مشی، اتلاف منابع، کاهش اعتماد عمومی و فرصت‌سوزی ملی را در پی خواهد داشت.



نمودار شماره ۶. مدل تبیین‌کننده خاتمه بخشی خط‌مشی عمومی در ایران (مرحله کدگذاری محور)

۵-۴. روایت نظریه خاتمه خط‌مشی‌های عمومی

خردمایه شکل‌گیری خط‌مشی‌های عمومی در کشور جمهوری اسلامی ایران برخورد با مسئله عمومی و حرکت در جهت حل این مشکلات است که خط‌مشی تدوین شده قطعاً خروجی یک نظام خط‌مشی گذاری عمومی در کشور است؛ اما به دنبال چالش‌های موجود در حوزه‌های ساختار، فرآیندی، منابع انسانی و سیاسی درگیر در نظام خط‌مشی گذاری باعث شده است که خروجی فرآیند خط‌مشی گذاری تبدیل به یک خط‌مشی عمومی لرزان شود. خط‌مشی عمومی لرزان که به‌منظور حل مشکلات و معضلات عامه مردم شکل گرفته است به دلیل ضعف در سیاست‌پژوهی، کم‌توجهی به الزامات و توانمنداها در اجرا، کم‌توجهی به وجوه مختلف عقلانیت در شکل‌گیری

خط‌مشی، احساسی برخورد کردن با مسئله عمومی و مصلحت‌اندیشی سیاست‌زده و... دچار این تزلزل گردیده است. در این راستا مجریان ملی خط‌مشی‌های عمومی با توجه به محیط خرد شامل ویژگی خط‌مشی، بازیگران فضای خط‌مشی‌گذاری، نوسان منابع و بعد نظارت و محیط کلان شامل ویژگی جامعه، عوامل بین‌المللی فضای خط‌مشی‌گذاری، باورهای دینی و رابطه دولت-مجلس، راهبرد رهاشدگی را به‌عنوان مناسب‌ترین گزینه جهت مقابله با چالش‌های موجود در نظام خط‌مشی‌گذاری تشخیص می‌دهند. پیامد توسل به این راهبرد منجر به پایان یافتن عمر آن خط‌مشی می‌گردد که تحت عنوان فرآیند خاتمه خط‌مشی عمومی تبیین می‌گردد.

آنچه بر اثر این فرآیند در کشور رخ داده منجر به اتلاف منابع مادی و معنوی (هزینه مادی شکل‌گیری خط‌مشی خاتمه‌یافته و همچنین تدوین خط‌مشی جایگزین) کاهش اعتماد عمومی و فرصت‌سوزی ملی و کاهش اعتبار خط‌مشی‌گذار می‌گردد.

۵-۵. روش برازش پژوهش

برای حصول اطمینان از روایی پژوهش یا به عبارتی دقیق بودن یافته‌ها از منظر پژوهشگر، مشارکت‌کنندگان یا خوانندگان گزارش پژوهش (کرسول و همکاران، ۲۰۰۰، ص ۱۲۴) اقدامات زیر انجام شد:

الف) تطبیق توسط مشارکت‌کنندگان: مشارکت‌کنندگان، مرحله کدگذاری محوری را بازمینی و نظر خود را در ارتباط با آن ابراز کردند؛ دیدگاه‌های ایشان در مرحله کدگذاری محوری اعمال شد.

ب) بررسی همکار: ۳ تن از اساتید مدیریت به بررسی یافته‌ها و اظهارنظر درباره مرحله کدگذاری محوری پرداختند.

ج) مشارکتی بودن پژوهش: به‌طور هم‌زمان از مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد.

جمع‌بندی

در این پژوهش و در راستای تحقق هدف غایی و پاسخ به پرسش‌های پژوهش با اجرای راهبرد پژوهش داده‌بنیاد، مدلی با اجزای زیر استخراج گردید:

مقوله اصلی: خط‌مشی عمومی لرزان پدیده اصلی تبیین‌کننده خاتمه خط‌مشی عمومی با استفاده از راهبرد رهاشدگی خط‌مشی عمومی در نظام خط‌مشی‌گذاری کشور است.

شرایط علی: چالش‌های فضای خط‌مشی‌گذاری در حوزه‌های ساختاری، فرآیندی، منابع انسانی و سیاسی از علل شکل‌گیری خط‌مشی عمومی لرزان محسوب می‌شوند. راهبرد: یکی از راهبردهای خط‌مشی عمومی لرزان، رهاشدگی خط‌مشی است؛ در این راهبرد بر استراتژی‌های خارج کردن خط‌مشی از کانون توجه و تغییر مستمر در خط‌مشی‌ها تأکید شده است.

بستر: از جمله عواملی که باعث می‌شود مجریان خط‌مشی به راهبرد رهاشدگی خط‌مشی روی آورند محیط خرد شامل ویژگی خط‌مشی و تأثیر بازیگران خط‌مشی بر نظام خط‌مشی‌گذاری عمومی، نوسانات منابع و بعد نظارت است.

شرایط مداخله‌گر: علاوه بر عوامل بستر محیط خرد استفاده از راهبرد رهاشدگی شرایط مداخله‌گر محیط کلان که ویژگی جامعه و عوامل بین‌المللی فضای خط‌مشی‌گذاری، باورهای دینی و رابطه دولت-مجلس را در بر می‌گیرد، زمینه‌ای عام برای تحقق رهاشدگی خط‌مشی عمومی را فراهم می‌کند.

پیامد: بر اساس راهبرد رهاشدگی خط‌مشی و عوامل بستر و شرایط مداخله‌گری که منجر به توسل به آن می‌شود، پیامد خاتمه بخشی خط‌مشی عمومی منتج می‌شود. خاتمه بخشی خط‌مشی مقوله‌های ائتلاف منابع، کاهش اعتماد عمومی و فرصت‌سوزی ملی و کاهش اعتبار خط‌مشی‌گذار را در بر می‌گیرد.

مزیت پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهش‌های مطرح‌شده در مورد خاتمه خط‌مشی آن است که مدل ارائه شده در این پژوهش مدلی جامع و مبتنی بر عمل است که هم‌زمان کوشیده است به اکثر مؤلفه‌های مؤثر در فرآیند خاتمه خط‌مشی توجه کند و از این رو توانسته گامی هرچند کوچک در پیوند نظریه و عمل فرآیند خاتمه خط‌مشی بردارد. از جمله محدودیت انجام پژوهش حاضر این است که انجام پژوهش در بخش دولتی موجب کاهش تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش به سایر بخش‌ها از جمله بخش خصوصی و بازرگانی است. محدودیت دیگر هماهنگی با مصاحبه‌شوندگان است؛

از آنجاکه مصاحبه‌شوندگان پژوهش از خط‌مشی‌گذاران و مدیران ارشد دولتی کشور بودند هماهنگی و تنظیم زمان ملاقات و انجام مصاحبه با ایشان نیاز به هماهنگی و پیگیری مستمر داشت.

با در نظر داشتن اینکه بر پایه گزاره‌های حکمی یا قضایای مستخرج از دل نظریه داده‌بنیاد در پژوهش کیفی می‌توان فرضیه‌هایی راهبردی تدوین کرد، برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی کمی با هدف آزمون این فرضیه‌ها انجام شوند. هم‌چنین با توجه به اینکه پژوهش حاضر در مورد چگونگی عملکرد خط‌مشی‌گذاران و مدیران ارشد دولتی برای حل مسئله در وضع موجود می‌باشد می‌توان از آن به‌عنوان مبنایی برای پژوهش‌های آتی در خصوص نظریه‌پردازی خط‌مشی‌های عمومی و آینده‌نگاری در خط‌مشی‌گذاری بخش دولتی استفاده کرد.

یادداشت‌ها

۱. در این پژوهش خاتمه خط‌مشی‌هایی مدنظر است که مسئله عمومی آن خط‌مشی کماکان به قوت خود باقی است ولی خط‌مشی تدوین‌شده در مرحله اجرا معطل، رها و در نهایت خاتمه یافته است.

2. Policy termination
3. Garry Brewer and Peter Deleon
4. Bardach
5. policy adoption
6. Oppositionists
7. economizers
8. Reformers
9. Functions Termination
10. Organizations Termination
11. Policy Termination
12. Programs Termination
13. The Obstacles to Policy Termination
14. Intellectual reluctance
15. Institutional permanence
16. Dynamic systems
17. Antitermination coalitions
18. Legal obstacles
19. Litigation- Prone Political Enviroment

20. High start-up costs
21. Frantz
22. Iris Gevay- May
23. Emotional
24. James P.Letster and Mark Peterson
25. A Process Model for the Termination of Public Goods
26. Inherent Characteristics
27. The Political Environment
28. Constraints
29. The raison d etre
30. Longevity
31. Mature organization
32. Invisible and Complex
33. Nature of benefits
34. Prevailing ideology
35. Termination coalition
36. Powerful allies
37. Compromise possibilities
38. Speed
39. Antitermination coalition
40. Dynamic conservatism
41. Legal obstacles
42. Fear and Uncertainty
43. Start – up costs
44. Ke ye
45. Triggering Factors
46. Fiscal Problems
47. Perceived Policy Failures
48. Ideo Logical Change
49. Decision-making context Factors
50. Triggering events
51. The value preferences
52. Policy characteristic
53. Jurisdiction
54. Beneficiary group
55. Community characteristics
56. The community's commitment to the service arena
57. Political philosophy
58. The extent of its homogeneity
59. Wealth
60. The case of the national solidarity program in mexico: a study in comparative policy termination
61. Policy Abandonment
62. Creswell

63. The Systematic Design
64. Strauss & Corbin
65. Open, Axial, and Selective Coding
66. Logical Paradigm
67. Strauss
68. Theoretical Saturation

کتابنامه

- الوانی، سید مهدی؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۳)، *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*؛ تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- دانیایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸)، «روش‌شناسی تدوین خط‌مشی ملی کارآفرینی کشور: چارچوبی مفهومی»، فصلنامه توسعه کارآفرینی، ش ۶، صص ۱۲۵-۱۵۵.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، *تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی*؛ تهران: انتشارات سمت.
- لستر، جیمز و استوارت، جی آر جوزف (۱۳۸۱)، *فرایند خط‌مشی‌گذاری: رویکردی تکاملی*، ترجمه مجتبی طبری و دیگران، تهران: انتشارات ساوالان.

- Anderson, J. (1979), *Public Policy-Making*, New York : Praeger.
- Bardach, Eugen (1976), "Policy Termination as a Political Process", s.l.: *Policy Science*, Vol. 7.
- Creswell J. W. (2002), "Educational Research: Planning", *Conduction and Evaluating Quantitative and Qualitative Research*, Upper Saddle River. NJ: Pearson Education.
- Daniels, Mark R. (1997), "Theories of the Termination of Public Programs, Policies and Organization", *Internation Journal of public Administration*, Vol. 20.
- Daniels, Mark R. (1997), *Termination Public Programs An American Political Paradox*, New York : M.E.Sharpe, Inc.
- Deleon, Peter (1978), "Public Policy Termination: An End and A Beginning", *Policy Analysis*, Vol. 4. pp.369-392.
- Deleon, Peter (1983), "Policy Evaluation and Program Termination", s.l.: *Policy Studies Review*, Vol. 2. pp.369-392.
- Deleon, Peter (1987), *Policy Termination as a Political Phenomenon*, Sage Publication,

- Deleon, Peter and Hernandez, Jose (2001), "The Case of the National Solidarity Program in Mexico: A Study in Comparative Policy Termination", 3 *International Journal of Public Administration*, Vol. 24.
- Frantz, Janet E. (1997), "The High Cost of Policy Termination", *International Journal of Public Administration*, Vol. 20.
- Iris, Gevay-May (2001), "When the Motto is Till Death Do us Part: The Conceptualization and the Craft of Termination in the Public Policy Cycle", *International Journal of Public Administration*, Vol. 24, pp.263-288.
- Kaufman, Herbert (1976), *Are Government Organizations Immortal?* Washington : D.C: The Brooking Institution,
- Ke, Ye (2007), *Policy Termination: A Conceptual Framework and Application to the Local Public Hospital Context*, California: Adissertation Presented to the Faculty of the Graduate School University of Southern California.
- Kirkpatrick, S. Lester, J. And, Peterson, M. (1999), "The Policy Termination Process: A Conceptual Framework and Application to Revenue sharing", *Policy Studies Review*, Vol. 16.
- Laster, J. and Stewart, J. (1996), *Public Policy: An Evolutionary Approach*, Minnesota: West Publishing Company.
- Lizhen, Zhang (2009), "Study on Odstacles to Policy Termination", s.l.: *Journal of Politics and Law*, Vol. 2.
- May, J. V. (1978), *The Policy Cycle*, Beverly Hills California: Sage Publication.
- Straus. A. & Corbin J. (1998), *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, 2nd ed. Thousand Oaks. CA: Sage.